

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در عصر ما ارگان حزب کمونیست المان

نویسنده: یورگ کرونا
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۸ اپریل ۲۰۲۵

با تمام قوا علیه چین



برای همه کسانی که به سیاست خارجی و نظامی ایالات متحده می‌پردازند، آخر هفته گذشته در ماه مارچ بینش‌های مفیدی به همراه داشت. بسیاری با نگرانی منتظر دوم اپریل، روزی که رئیس جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ، قرار بود تعرفه‌های جدیدی را اعلام کند و آن را «روز آزادی» نامید، بودند. در همان آخر هفته، پیت هگست، وزیر دفاع او، اولین سفر خارجی خود را در این سمت انجام داد. این سفر او را به منطقه آسیا-اقیانوسیه، به فیلیپین و جاپان برد. در آنجا، هگست قصد داشت ائتلاف علیه آن چیزی را که او آن را «چین کمونیست» نامید، بیشتر تقویت کند. فیلیپین قرار است ۲۰ فروند جت جنگنده اف-۱۶ به ارزش ۵.۵۸ میلیارد دلار امریکا دریافت کند. علاوه بر این، واشنگتن قصد دارد پیشرفته‌ترین راکت‌های ضد کشتی را در آنجا مستقر کند. در جاپان، هگست اعلام کرد که فرماندهی نظامی ایالات متحده در آنجا ارتقاء یافته و به یک ستاد فرماندهی کامل «برای جنگ» تبدیل خواهد شد.

این که ایالات متحده تحت رهبری ترامپ، به اصطلاح زنجیره جزایر اول در مقابل سواحل چین را به یک سکوی پرتاب تسلیحاتی تبدیل می‌کند، چیز جدیدی نیست. این کار را جو بایدن نیز انجام داده است. سال‌هاست که در محافل سیاسی ایالات متحده اجماع وجود دارد که برای آماده شدن برای یک جنگ احتمالی علیه چین، باید این کار انجام شود.

تجميع منابع نظامی

با این حال، گزارش «واشنگتن پست» در مورد یک سند طبقه‌بندی‌شده از وزارت دفاع ایالات متحده، که در زمان سفر هگست از فیلیپین به جاپان منتشر شد، بینش‌های جدیدی به همراه داشت. این سند شامل دستورالعمل‌های کلیدی برای مقامات ارشد پنتاگون است و از اواسط ماه مارچ با امضای وزیر در آنجا در گردش بوده است. پیام اصلی این است: دولت ترمپ مصمم است تمام منابع نظامی ایالات متحده – به استثنای یک تقویت نظامی محدود در مرز با مکزیکو – را در آرایش نظامی علیه چین، در نظامی‌سازی زنجیره جزایر اول و همچنین دنیای جزایر اقیانوس آرام، به کار گیرد. هگست بی‌دلیل در گوام، یک مستعمره جزیره‌ای ایالات متحده با پایگاه‌های نظامی عظیم که در غرب دور اقیانوس آرام واقع شده است، توقف نکرده بود. استفاده از تمام منابع برای مبارزه با جمهوری خلق – این چیزی است که دولت ترمپ آن را کاملاً جدی می‌گیرد. به نقل از «واشنگتن پست»، وزیر دفاع گفت که چین «تنها تهدیدی» است که نیروهای مسلح ایالات متحده بر آن تمرکز دارند. تقویت نظامی نیروهای مسلح ایالات متحده به طور خاص آنها را برای جنگ علیه جمهوری خلق آماده می‌کند.

پیش از این، رئیس جمهور بارک اوباما در سال ۲۰۱۱ «چرخش به آسیا» یا «محور به آسیا» را با هدف تمرکز نیروهای مسلح ایالات متحده بر جمهوری خلق اعلام کرده بود. ترمپ در دوره اول ریاست جمهوری خود و همچنین جو بایدن این روند را ادامه دادند. گاهی اوقات آنها منحرف می‌شدند، مثلاً با جنگ علیه داعش و اخیراً با ارسال تسلیحات به اسرائیل برای جنگ غزه. برای جلوگیری از این امر در آینده، پنتاگون قصد دارد تنها عملیات‌های ضد تروریستی کوچکتر را مجاز بداند، مانند حملات هوایی به انصارالله یمن.

اتحادیه اروپا باید مسؤلیت روسیه را بر عهده بگیرد

در حالی که بایدن میلیاردها دلار در جنگ اوکراین سرمایه‌گذاری کرد، ترمپ می‌خواهد به این کار پایان دهد. او می‌خواهد تمام فعالیت‌های نظامی علیه روسیه را به کشورهای عضو ناتو در اروپا یا اتحادیه اروپا واگذار کند تا برای مبارزه بزرگ قدرت با بیجینگ، واقعاً دست‌تانک و راکت‌هایش آزاد باشد. ایالات متحده فقط باید به نقاط ضعف نزدیک مرزهای خود بپردازد: کانال پاناما، که کشتی‌های دشمن می‌توانند در صورت جنگ از آن عبور کنند؛ گرینلند، زیرا کشتی‌های دشمن، چه روسی و چه چینی، پس از ذوب شدن یخ‌ها از طریق قطب شمال حمله خواهند کرد، زیرا راکت‌های دشمن می‌توانند از طریق گرینلند به ایالات متحده برسند. این احتمال در طول جنگ سرد نیز وجود داشت. خلاص شدن از عامل روسیه – این امیدی است که سند پنتاگون آن را تأیید می‌کند – ترمپ را بر آن می‌دارد تا کشورهای اروپایی را به افزایش تسلیحات ترغیب کند. و نه تنها به این دلیل. ستراتیژی روسیه ترمپ در حال حاضر در محافل سیاسی ایالات متحده با عنوان «کیسینجر معکوس» مورد بحث قرار می‌گیرد. این به این اشاره دارد که هنری کیسینجر در دوران تصدی خود به عنوان مشاور امنیت ملی در تلاش برای ایجاد نزدیکی بین ایالات متحده و چین و در نتیجه ایجاد شکاف بین مسکو و بیجینگ به منظور منزوی کردن اتحاد جماهیر شوروی بود. دولت ترمپ قصد دارد این شکاف را تجدید کند، اما این بار با هدف گرفتن یک متحد مهم از جمهوری خلق. مجله آمریکایی «فارن افرز» در اوایل اپریل در پورتال اینترنتی خود اینگونه بیان کرد: «دور کردن روسیه از چین به منظور تغییر موازنه قوا به نفع ایالات متحده». نویسندگان این مقاله و همچنین دموکرات‌های ایالات متحده این طرح را توهم‌آمیز می‌دانند. به گفته آنها، بهتر است روسیه تا حد امکان تضعیف شود. بنابراین، آنها همچنان بر حمایت از کیف در جنگ اوکراین تأکید دارند.

جنگ تعرفه‌نی علیه بیجینگ

چین همچنین عامل اصلی در نبردهای تعرفه‌نی و تحریمی، یعنی جنگ اقتصادی که دولت ترمپ به راه انداخته است، می‌باشد. این از جهات مختلف صادق است. در دوره اول ریاست جمهوری ترمپ نیز، تمرکز تعرفه‌های او بر خرابکاری در تجارت با چین بود. این منطقی است: اگر کسی بخواهد وارد یک مبارزه قدرت بزرگ با یک کشور شود، وابستگی به تجارت با آن کشور بسیار نابخردانه است. از تعرفه‌های فعلی دولت دوم ترمپ نیز، جمهوری خلق به اندازه‌ای آسیب خواهد دید که هیچ کشور دیگری احتمالاً آسیب نخواهد دید. تعرفه‌های قدیمی دوره اول ریاست جمهوری ترمپ همچنان پابرجاست – بایدن آنها را حفظ کرد.

حالا موارد دیگری نیز به آن اضافه شده است: ابتداء تعرفه‌های عمومی به میزان ۲۰ درصد، علاوه بر آن تعرفه‌های فولاد و خودرو که اصولاً برای همه کشورها، از جمله چین، اعمال می‌شود؛ و اخیراً تعرفه‌هایی به میزان ۳۴ درصد اضافی که ترمپ در ۲ اپریل وضع کرد. در ۷ اپریل، او تهدید به افزایش مجدد آن به میزان ۵۰ درصد کرد. سه روز بعد، در ۱۰ اپریل، ترمپ در پلتفرم خود Truth Social اعلام کرد که تعرفه‌ها را به ۱۲۵ درصد افزایش می‌دهد – به دلیل «عدم احترام چین به بازارهای جهانی». همزمان، رئیس جمهور ایالات متحده یک وقفه ۹۰ روزه برای تعرفه‌های تنبیهی که در ۲ اپریل علیه ۱۸۵ کشور اعلام کرده بود، صادر کرد. او دلیل این کار را رفتار خوب حدود ۷۵ کشوری عنوان کرد که به سیاست تعرفه‌نی او با تلافی پاسخ نداده بودند، بلکه درخواست مذاکره کرده بودند. تا زمان تنظیم این شماره، تعرفه‌های ایالات متحده علیه چین به ۱۴۵ درصد رسیده بود.

تقریباً هیچ کس دیگر نمی‌داند که اکنون دقیقاً کدام کالاها با چه میزان تعرفه باید پرداخت شوند. متخصصان حتی پیش از اعلامیه‌های ۷ و ۱۰ اپریل تخمین می‌زدند که به طور متوسط احتمالاً ۶۰ درصد تعرفه بر تمام محموله‌های وارداتی از چین به ایالات متحده اعمال شود. با این وضعیت، به نظر می‌رسید که جداسازی (Decoupling)، یعنی جدائی کامل دو اقتصاد بزرگ جهان، که مدتها مورد بحث داغ بود، ناگهان به طور ملموس امکان‌پذیر شده است.

بی‌توجهی به متحدان

ترمپ رسماً دلیل وضع این تعرفه‌ها را پایان دادن به بهره‌کشی ادعائی سایر کشورها، از جمله متحدان نزدیک، از ایالات متحده و ترغیب صنایع به انتقال به ایالات متحده عنوان می‌کند. تلاش برای احیای صنعتی (Reindustrialisierung) همزمان چند هدف را دنبال می‌کند. از یک سو، سود را به داخل کشور بازمی‌گرداند و از سوی دیگر، نوعی خودکفائی را فراهم می‌کند که در صورت تمایل به درگیری با قدرت دیگر بسیار سودمند است. این که آن قدرت کدام است، اکنون به طور واضح در سند پنتاگون که توسط هگست امضاء شده است، مشخص شده است. تلاش برای احیای صنعتی نیز به دوره اول ریاست جمهوری ترمپ بازمی‌گردد. بایدن آن را ادامه داده است، هرچند بیشتر با برنامه‌های یارانه صدها میلیارد دلاری – قانون کاهش تورم (IRA) و چند برنامه دیگر. در حالی که بایدن در تمام این موارد هنوز بر اتحاد با اتحادیه اروپا تکیه داشت و از حملات آشکار به کارتل دولتی اجتناب می‌کرد، ترمپ در این زمینه هیچ‌گونه محدودیتی را نمی‌شناسد. تنها هدف او تقویت حداکثری ایالات متحده برای مبارزه قدرت با چین است.

معمار جنگ تجاری

می‌توان مورد اخیر را با مثال شخصی که به عنوان معمار سیاست تعرفه‌ئی فعلی شناخته می‌شود، روشن کرد. این شخص – صرف نظر از این واقعیت که خود ترمپ دهه‌هاست که از تعرفه‌ها طرفداری می‌کند – مشاور تجاری رئیس جمهور ایالات متحده، پیتر ناوارو است. ترمپ ناوارو را حداقل از زمانی می‌شناسد که فلم اقتباسی از کتاب منتشر شده او در سال ۲۰۱۱ با عنوان «مرگ توسط چین» را دید و صراحتاً از آن تمجید کرد. تقریباً تمام ۱۶ فصل این اثر طاقت‌فرسا که بیش از ۳۰۰ صفحه آزردهنده را در بر می‌گیرد، با کلمه «مرگ» آغاز می‌شود: «مرگ توسط سم چینی»، «مرگ توسط کالاهای بنجل چینی»، «مرگ توسط هرکهای سرخ»، توسط «کشترهای جمعی چینی»، توسط «مدافعان چین» و موارد دیگر. زیرنویس کتاب این است: «یک فراخوان جهانی برای اقدام». ناوارو در دوره اول ریاست جمهوری ترمپ نیز به عنوان مشاور تجاری او را همراهی کرد و به طور ویژه به جنگ اقتصادی ایالات متحده علیه جمهوری خلق – و به ویژه تعرفه‌ها – پرداخت. او اکنون این روند را دنبال می‌کند. ناوارو، برای اطلاع، یکی از ۲۸ کارمند دولت اول ترمپ است که بیجینگ در جنوری ۲۰۲۱ تحریم‌های سختی را علیه آنها وضع کرد: آنها با تمام قدرت تلاش کرده بودند به جمهوری خلق آسیب جدی وارد کنند.

دولت اول ترمپ برای رسیدن به این هدف به تحریم‌های اقتصادی نیز متوسل شده بود، به عنوان مثال تحریم‌ها علیه هوای. بایدن این تحریم‌ها را بشدت گسترش داد، به ویژه با هدف جلوگیری از توسعه تراشه‌های پیشرفته خود توسط جمهوری خلق. دولت دوم ترمپ تقریباً بلافاصله شروع به افزایش تحریم‌ها کرد. در هفته آخر مارچ، این دولت تحریم‌هایی را علیه ۸۰ شرکت و سازمان از جمهوری خلق وضع کرد که اکنون دیگر اجازه خرید هیچ گونه فناوری امریکائی را نداشتند. این تحریم‌ها، مانند بسیاری از تحریم‌های دیگر، تولیدکنندگان تراشه امریکائی مانند اینتل، AMD و ستاره تراشه‌های هوش مصنوعی Nvidia را نیز تحت تأثیر قرار داد و منجر به کاهش درآمد آنها شد. اما دولت ایالات متحده معتقد است که برای به زانو درآوردن چین یا حداقل جلوگیری از پیشرفت بیشتر آن، باید این سختی‌ها را تحمل کرد.

مسأله، همه چیز است

بیجینگ اعلام کرده است که می‌خواهد «تا آخر مبارزه کند» و ظاهراً متقاعد شده است که می‌تواند پیروز شود. مسأله، همه چیز است. هر کس در جنگ تعرفه‌ئی پیروز شود، یک مرحله در مبارزه بر سر این که آیا سلطه غرب رو به پایان است و آیا چین به قدرت جدید جهانی تبدیل خواهد شد، را برده است. در واقع، دلایل زیادی برای چین وجود دارد که اکنون این رویارویی را انجام دهد. اقتصاد خود این کشور بسیار قوی‌تر از زمان درگیری‌های تعرفه‌ئی در دوره اول ریاست جمهوری ترمپ است، ایالات متحده در داخل دچار شکاف است، اما جمهوری خلق اینگونه نیست. سیاست‌های ترمپ حتی در صفوف خود او نیز با مخالفت روبه رو می‌شود. علاوه بر این، واشنگتن اکنون حتی در برابر متحدان نیز به نمایش آشکار اطاعت می‌پردازد. این برای هیچ کس واقعاً جذاب نیست. جست و جو برای جایگزین‌ها مدت‌هاست که آغاز شده است. این نیز احتمالاً چین را در این اعتقاد راسخ‌تر می‌کند که زمان مقاومت آشکار در برابر سلطه ایالات متحده فرا رسیده است.

۱۷ اپریل ۲۰۲۵